

حمله پیش‌دستانه
انتقاد میثم نیلی از تیم مذاکره‌کنندهمعمای مین‌های هرمز
مشکل آمریکا در تنگه هرمزتبارشناسی رنج
درباره کتاب ایوبموافق مشروط طرح زاگانی هشتم
گفت‌وگو با ناصر امانی درباره رایگان شدن مترو

تفاهم سخت

حملات اسرائیل به لبنان، روند مذاکرات
ایران و آمریکا را بسیار کند کرده است

سرمقاله

هفت مانع پنهان توافق

پاسخ به نقدهای مطرح شده به
سر مقاله «گاو خشمگین و عقل سلیم»

محسن هاشمی‌رفسنجانی

رئیس شورای مرکزی
حزب کارگران سازندگی ایران

این روزها هرچه تهران و واشنگتن به نقطه تفاهم نزدیک‌تر می‌شوند، موانع پیچیده‌تری خود را نشان می‌دهد؛ به خصوص حرکات برای تخریب توافق نیز افزایش می‌یابد. در چنین بزنگاه‌هایی، مخالفان توافق فعال‌تر از موافقان آن می‌شوند زیرا می‌دانند آنچه در حال شکل‌گیری است، آغاز بازتعریف موازنه‌های منطقه‌ای، امنیتی و اقتصادی است.

به همین دلیل، فضای پیش از توافق و روزهای نخست پس از آن به میدان رقابت فشرده کنشگرانی تبدیل می‌شود که می‌کوشند از طریق فشار میدانی، جنگ روایت‌ها، تحریک افکار عمومی یا ایجاد هزینه برای تصمیم‌گیران، مسیر مصالحه را به سمت بازتولید بحران منحرف کنند. به همین دلیل شاید امروز مهم‌ترین دغدغه این نباشد که آیا ایران و آمریکا می‌توانند به توافق برسند یا نه؛ بلکه این باشد که چه کسانی و با چه ابزارهایی می‌توانند این مسیر را از ریل خارج کنند.

نخستین خطر، بازیگر شناخته‌شده‌ای است که طی دهه‌های اخیر از هرگونه تنش‌زدایی میان تهران و واشنگتن، احساس نگرانی کرده است. برای اسرائیل استمرار شکاف میان ایران و آمریکا، بخشی از معادله امنیتی منطقه محسوب می‌شود. هرگونه توافق، حتی محدود و موقت، می‌تواند بسیاری از محاسبات راهبردی تل‌آویو را تغییر دهد. از همین رو افزایش تنش در جبهه‌های منطقه‌ای، تشدید عملیات نظامی یا حتی اقدامات تحریک‌آمیز در روزهای حساس مذاکرات را نمی‌توان از دایره احتمالات خارج دانست. تجربه نشان داده است که مخالفان توافق معمولاً در لحظات پایانی بیشترین تحرک را دارند.

دومین خطر، پدیده‌ای است که می‌توان آن را «رقابت برای روایت پیروزی» نامید. در بسیاری از منازعات هنگامی که طرفین به توافق نزدیک می‌شوند، بخش‌هایی از ساختارهای امنیتی و نظامی تلاش می‌کنند، آخرین برگ‌های خود را بازی کنند تا در روایت نهایی جنگ خود را دست برتر معرفی کنند. این وضعیت می‌تواند به اقداماتی منجر شود که اگرچه از منظر تاکتیکی محدود به نظر می‌رسند اما از نظر سیاسی ظرفیت تخریب کامل فضای مذاکرات را دارند. گاهی یک حادثه کوچک در میدان، اثراتی بزرگ‌تر از یک عملیات گسترده بر روند دیپلماسی می‌گذارد.

سومین مانع، جنگ روایت‌هاست. در عصر شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌ها بخشی از خود رویداد محسوب می‌شوند. هر تحلیل هیجانی، هر تیترا احساسی و هر روایت مبتنی بر شکست یا پیروزی مطلق می‌تواند فضای تصمیم‌گیری را تحت تأثیر قرار دهد. هنگامی که موضوعات به مسئله حیثیت ملی تبدیل می‌شوند، انعطاف سیاسی کاهش می‌یابد و امکان توافق دشوارتر می‌شود. دیپلماسی برای موفقیت به آرامش روانی نیاز دارد که گاه در توفان اخبار و تحلیل‌های لحظه‌ای قربانی می‌شود.

چهارمین خطر، شبکه گسترده ذی‌نفعان بحران است. در هر دو سوی منازعه، گروه‌هایی وجود دارند که منافع سیاسی، اقتصادی یا ایدئولوژیک آنها با تداوم تنش گره خورده است. این گروه‌ها از ابزارهای مختلفی مانند لابی‌گری، فشار رسانه‌ای، بسیج افکار عمومی با فعالیت گسترده در فضای مجازی استفاده می‌کنند تا هرگونه توافق را به نشانه‌ای از ضعف طرف مقابل یا حتی خیانت تعبیر کنند. قدرت این جریان‌ها معمولاً زمانی آشکار می‌شود که توافقی در آستانه نهایی شدن قرار گرفته باشد.

پنجمین خطر، خطای محاسباتی است. در شرایط پُر تنش، تصمیم‌گیران گاهی رفتار طرف مقابل را نادرست تفسیر می‌کنند. یک رزمایش، یک جابه‌جایی نظامی یا حتی یک سخنرانی سیاسی ممکن است به عنوان نشانه‌ای از آماده‌سازی برای درگیری تلقی شود و زنجیره‌ای از واکنش‌های متقابل را شکل دهد. بسیاری از بحران‌های بزرگ تاریخ نه از تصمیم آگاهانه برای جنگ بلکه از سوء برداشت‌ها آغاز شده‌اند.

ادامه در صفحه ۲

جمع مشتاقان

مراسم ترحیم خواهر سیدمحمد خاتمی، به صحنه حضور شخصیت‌های اصلاح‌طلب و چهره‌های میانه‌رو تبدیل شد؛ جایی که پس از مدت‌ها همدیگر را ملاقات کردند به همین بهانه؛ سازندگی به راز ماندگاری و محبوبیت رئیس دولت اصلاحات پرداخته است



عاطفه شمس

گروه سیاسی

غروب یک‌شنبه، دهم خرداد، مسجد جامع امیرالمؤمنین در غرب تهران میزبان خیل دوست‌داران خانواده خاتمی بود تا هم مراسم ترحیم خواهر سیدمحمد خاتمی را در آن برگزار کنند و هم دیداری با رئیس دولت اصلاحات، تازه کنند. این مراسم که در ظاهر اتفاقی معمولی به نظر می‌آمد، در واقع مجلسی برای تسلیت‌گویی، فاتحه‌خوانی و ادای احترام به یک خانواده شناخته‌شده بود. اما طولی نکشید که مراسم از قالب معمول، خارج شد. ازدحام جمعیت به اندازه‌ای بود که درهای مسجد چندبار بسته شد، صف‌های طولانی در محوطه شکل گرفت و بسیاری از حاضران نیز موفق نشدند، وارد شبستان مسجد شوند.

ادامه در صفحه ۲

حاشیه سیاست

حمله پیشدستانه

درباره انتقاد میثم نیلی از تیم مذاکره کننده و توافقی که هنوز نهایی نشده است



گروه سیاسی: میثم نیلی، مدیرمسئول رجانیوز، اخیراً در تجمعی مقابل وزارت خارجه، دوباره به مذاکرات ایران و آمریکا ناختم. او از یک طرح ۱۳ یا ۱۴ بندی گفت که از مدت‌ها قبل

طرحی برای توافق میان ایران و آمریکا آماده شده و حالا تلاش می‌شود به مرحله اجرا برسد. نیلی مدعی شد که این توافق حتی از برجام هم بدتر خواهد بود. او در ادامه از توافقی پر از غلط و ابهام برای اختلاف و برای پیشروی کار دشمن حرف می‌زند اما هیچ مصداق مشخصی از این ایرادات ارائه نمی‌کند و به مخاطبش القا می‌کند که توافق احتمالی یک شکست بزرگ است. او به موضوع تنگه هرمز هم ورود کرده و مدعی می‌شود «ماه‌آزای محاصره‌ای که محصول آتش‌سپس نابه‌جای بعضی از سیاست‌های کشور ماست و پیمان رهبری تمام کردند اما این طور نیست، ماه‌آزای آن محاصره که محصول آتش‌سپس نابه‌جایشان بود، می‌خواهند هرمز را بدهند؟» ادعایی که اساساً مشخص نیست بر چه مبنایی مطرح شده است. نیلی در ادامه تأکید می‌کند که «هرمز دستاورد راهبردی است» و با استناد به مواضع رهبری درباره خلیج فارس و تنگه هرمز، مذاکره‌کنندگان را متهم می‌کند که در حال عبور از «خطوط قرمز» هستند. با این حال، او هیچ توضیحی درباره اینکه کدام بند یا کدام بخش از توافق احتمالی چنین برداشتی را ایجاد کرده، ارائه نمی‌دهد. اما چند سوال ساده از آقای نیلی داریم، وقتی متن توافق هنوز منتشر نشده و جزئیات آن به شکل رسمی در دسترس نیست، چطور با این قاطعیت آن را «بدتر از برجام» توصیف می‌کنید و اصلاً چرا فکر می‌کنید، برجام فقط هزینه بوده و دستاوردی نداشته؟ حتی منتقدان برجام هم نمی‌توانند منکر آثار آن در کاهش موقت تحریم‌های بین‌المللی، خروج پرونده ایران از ذیل فصل هفتم شورای امنیت و ایجاد اجماع جهانی به نفع ایران در برابر خروج یکجانبه آمریکا از توافق شوند. بنابراین اگر بنا به مقایسه دارید، اول مشخص کنید که معیارتان چیست و برجام دقیقاً به دلیل کدام ویژگی، بد تلقی می‌شود که توافق جدید را از آن هم بدتر ارزیابی می‌کنید؟ اظهارات مدیرمسئول رجانیوز را می‌توان بخشی از تلاش جریان تندرو برای تحت فشار قرار دادن روند مذاکرات دانست که پیش از هرگونه توافق حکم نهایی‌اش را صادر کرده بدون آنکه در نظر بگیرد که درباره هر توافقی، پس از روشن شدن جزئیات آن باید قضاوت کرد؛ نه بر اساس حدس‌ها، شنیده‌ها و فضا سازی‌های سیاسی. ضمن اینکه تصمیم‌گیری درباره پرونده‌های کلان سیاست خارجی و امنیت ملی در نهایت در سطوح عالی نظام انجام می‌شود و هر توافقی پیش از نهایی شدن از فیلترهای متعدد کارشناسی و تصمیم‌گیری عبور می‌کند.

ادامه سرمقاله

هفت مانع پنهان توافق

ششمین مانع، دو قطبی‌سازی داخلی است. هر توافقی، به‌ویژه اگر موقت و محدود باشد، مخالفان و موافقان خود را خواهد داشت. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که اگر توافق به موضوعی برای رقابت‌های جناحی تبدیل شود، دوام آن به شدت کاهش می‌یابد. هیچ توافق خارجی بدون حداقلی از اجماع داخلی نمی‌تواند پایدار بماند. جامعه باید بداند که تصمیم‌های کلان امنیت ملی، محصول سازوکارهای رسمی کشور است و نه پروژه یک جریان سیاسی خاص. و سرانجام، **هفتمین خطر،** توهم پایان بحران است. حتی اگر توافقی حاصل شود نباید آن را پایان همه اختلافات دانست. توافق موقت تنها پنجره‌ای برای عبور از یک مرحله پُر تنش است، نه مقصد نهایی. اگر این فرصت به بستری برای گفت‌وگوهای گسترده‌تر و حل مسائل بنیادین تبدیل نشود، امکان بازگشت بحران همچنان وجود خواهد داشت. در چنین شرایطی، سه ضرورت بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد: نخست، ایجاد اجماع و انسجام داخلی پیرامون هر تصمیم ملی؛ دوم، حفظ آمادگی و هوشیاری در برابر سناریوهای احتمالی آینده؛ و سوم، بهره‌گیری از فرصت‌های دیپلماتیک برای حرکت از توافق‌های محدود به تفاهم‌های پایدارتر.



ادامه تیتربیک

جمع مشتاقان

از مردم عادی گرفته تا چهره‌های سیاسی و اجرایی کشور، از مسئولان و وزرای سابق گرفته تا روحانیون، فعالان سیاسی و شخصیت‌هایی از طیف‌های مختلف در این مراسم حاضر شده بودند. و رفته‌رفته این مراسم به نمایش محبوبیت سیدمحمد خاتمی و حضور عقلای سیاسی اصلاح‌طلب و میانه‌رو تبدیل شد. جلسه‌ای که فراتر از یک مراسم ختم تعریف شد آنهم در میانه آتش‌سپس که حاصل یک جنگ مداخله‌جویانه و خونین بود. با این حال در این جلسه اگر همه بودند اما یک نفر نبود و آن، حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین بود که جای خالی او بسیار به چشم می‌آمد. در میان حاضران حتی کسانی حضور داشتند که در سال‌های گذشته در اردوگاه سیاسی متفاوتی تعریف می‌شدند. محمدرضا عارف، محمدجعفر قانم‌پناه، محمدجواد ظریف، اسحاق جهانگیری، علی‌اکبر ناطق‌نوری، سیدمصطفی محقق‌داماد، سیدحسن خمینی، عبدالله نوری، سیدحسین مرعشی، محسن هاشمی‌رفسنجانی، مهدی هاشمی، علی‌ریبعی، یوسف پزشکیان، محمدرضا ظفرقندی، علی‌اکبر صالحی، مصطفی معین، محمود واعظی و محسن مهرعلیزاده در کنار شمار دیگری از شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی و مذهبی برای ادای احترام به سیاستمداری آمده بودند که سال‌ها با محدودیت‌های رسانه‌ای و سیاسی روبه‌رو بوده اما همچنان قادر است چنین توجه و حضوری را به خود جلب کند. این حضور همچنین نشان داد که خاتمی جایگاهی فراتر از رقابت‌های روزمره سیاسی در ذهن بخشی از جامعه پیدا کرده و محبوبیتش با وجود سال‌ها محدودیت و حذف

گذشت سال‌ها و با وجود موانع، به سادگی از ذهن جامعه پاک نشود. از سوی دیگر، محدودیت‌ها گاهی نتیجه‌ای معکوس به بار می‌آورند. در تاریخ سیاست، نمونه‌های فراوانی وجود دارد که حذف رسانه‌ای یک چهره نه تنها باعث فراموشی او نشده بلکه به تقویت وجه نمادینش انجامیده است. مثل خاتمی که نامش در رسانه‌های رسمی دیده و شنیده نمی‌شد اما در اذهان مردم حضور داشت و خود این محدودیت‌ها به بخشی از داستان او تبدیل شد. البته این به این معنا نیست که همه جامعه امروز همان نگاه دو دهه قبل را به خاتمی دارند. منتقدان او کم نیستند و حتی در میان برخی حامیان پیشین اصلاحات هم انتقادهایی نسبت به عملکرد جریان اصلاح‌طلبی و نتایج سیاسی سال‌های گذشته وجود دارد. اما بحث تفاوت بین محبوبیت مطلق و ماندگاری سیاسی را نباید نادیده گرفت. شاید میزان اقبال خاتمی در دوره‌های مختلف تغییر کرد اما همچنان به عنوان یک مرجع نمادین و چهره اثرگذار باقی ماند. مراسم ترحیم خواهر خاتمی هم از همین زاویه قابل توجه است. آنچه در این مراسم دیده شد فقط حضور افراد برای ادای احترام به یک خانواده داغدار نبود. حضور آن جمعیت، یادآور این واقعیت بود که سرمایه اجتماعی را نباید فقط با معیار حضور در رسانه‌ها سنجید. گاهی حضور مردم در یک مراسم ختم بیش از ده‌ها نظرسنجی و تحلیل سیاسی، واقعیت‌های جامعه را نشان می‌دهد. در پس ازدحام جمعیت، در پس چهره‌های سیاسی حاضر در مسجد و در پس صف‌های طولانی بیرون از درها، قصه سیاستمداری نهفته بود که سال‌ها با محدودیت‌های مختلف روبه‌رو شد اما هنوز هم نامش می‌تواند، جمعیتی بزرگ را گرد هم بیاورد. موافقان و مخالفان ممکن است درباره کارنامه او اختلاف نظر داشته باشند اما قطعاً با این نکته موافق هستند که برخی چهره‌ها به بخشی از حافظه جمعی جامعه تبدیل می‌شوند و حافظه جمعی معمولاً سخت‌تر از آن است که با محدودیت و حذف از میان برود.



وبترین

ادامه کار ایرج افشار

انتشار سه کتاب تازه مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی

دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، این مؤسسه پژوهشی و دانشنامه‌نگاری در هفته اخیر سه عنوان تازه منتشر کرد.

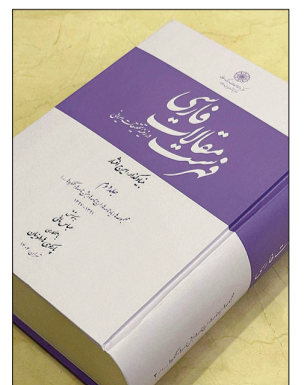
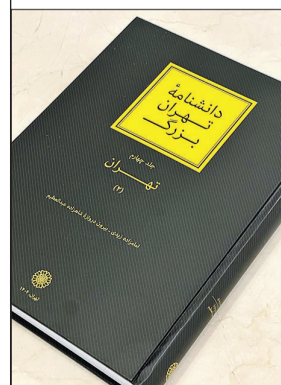
دانشنامه «تهران بزرگ» در ایستگاه چهارم

به گزارش روابط عمومی مرکز، جلد چهارم دانشنامه «تهران بزرگ» مختص جلد دوم شهر تهران و دربرگیرنده سراسر مناطق ۱، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ و بخش‌هایی از مناطق ۲، ۶، ۷، ۸ و ۱۰ شهرداری تهران که در واقع منطق با زمین‌های حدفاصل حصار و خندق تهران عهد ناصری با روستاهای پیرامون آن است، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی و با ویراستاری علمی علی همدانی منتشر شد. دانشنامه تهران بزرگ به منظور تدوین مرجعی موثق و ناظر بر همه جنبه‌های حیات مادی و معنوی تهران بزرگ طراحی شده است که شامل موضوعات گوناگون از جنبه‌های حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تهران بزرگ، به‌ویژه در ۲۰۰ سال گذشته از جمله موضوع و عوارض جغرافیایی مانند کوه‌ها، دره‌ها، دست‌ها، رودخانه‌ها، چشمه‌ها و آبگیرها؛ آثار و بناهای تاریخی؛ تاریخچه محله‌ها و خیابان‌های قدیمی و فضاهای شهری؛ باغ‌ها؛ قنات‌ها؛ آب‌انبارها؛ سقاخانه‌ها؛ رویدادهای تاریخی؛ شخصیت‌های علمی، فرهنگی، دینی، سیاسی و ورزشی؛ نهادها و سازمان‌ها؛ بیمارستان‌ها؛ مدرسه‌ها؛ دانشگاه‌ها؛ سینماها؛ موزه‌ها؛ نگارخانه‌ها؛ انجمن‌ها؛ کتابخانه‌ها؛ ورزشگاه‌ها؛ زورخانه‌ها؛ نشریات و چاپخانه‌های قدیمی؛ بزرگراه‌ها؛ بوستان‌ها و فضاهای سبز؛ مسجدها؛ تکیه‌ها؛ امامزاده‌ها؛ گورستان‌ها؛ کلیساها؛ کنیسه‌ها؛ آتشکده‌ها و دیگر پرستشگاه‌های غیرمسلمانان؛ و آداب و رسوم و فرهنگ عامه است. این مجلد حاوی ۳۰۴ مدخل است که با مدخل «امامزاده زیدی» آغاز می‌شود و با مدخل «بیرون دروازه شاهزاده عبدالعظیم» پایان می‌یابد. جلد چهارم دانشنامه «تهران بزرگ» زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی و با ویراستاری علمی علی همدانی در ۵۷۶ صفحه، در قطع رحلی، با شمارگان ۱۵۰۰ نسخه و به‌بهای یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان انتشار یافته است.

کام جدید «فهرست مقالات فارسی»

جلد چهاردهم «فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی (مجمله‌ها و نشریه‌ها: ۱۳۹۹-۱۴۰۰)» به کوشش ایران‌ناز کاشیان و جلد دوم «فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی (مجموعه‌ها؛ یادنامه‌ها؛ ارجحانه‌ها؛ جشن‌نامه‌ها؛ کنگره‌ها؛ ...» (۱۳۹۱-۱۳۹۷) به کوشش عباس مافی و با همکاری پارکوهی هارطونیان، هردو با بنیادگذاری ایرج افشار منتشر شد. کاظم موسوی بجنوردی، رئیس مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی در یادداشت خود بر آغاز دو

این کتاب نوشته است: «علاقه‌مندان شاید آگاهی داشته باشند که مجلد یکم تا ششم فهرست مقالات فارسی شامل مقالات نشریات ادواری و نیز مجموعه‌ها و یادنامه‌ها از سال ۱۲۸۸-۱۳۷۶ هجری شمسی به همت شادروان استاد ایرج افشار تدوین و منتشر شد. نظر آن شادروان این بود که تدوین و انتشار این فهرست از سوی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی تداوم یابد و در عین حال مشخصات مقالات مجموعه را، افزون بر همه نشریه‌های مرتبط، در بر بگیرد. مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی هم کوشید این نظر استاد افشار را عملی کند. براین اساس از سال ۱۳۷۷ تا هنگام درگذشت استاد افشار و تحت نظارت ایشان یکی دو جلد از فهرست مقالات به کوشش خانم ایران‌ناز کاشیان از همکاران مرکز آماده و انتشار یافت. با نظارت گروه راهبردی برای تدوین و انتشار مشخصات کتاب‌شناختی مجموعه‌ها، یادنامه‌ها، سالنامه‌ها، گاهنامه‌ها و ارجحانه‌ها هم کوشش تازه‌ای به عمل آمد. مجموعه این مشخصات بسیار گسترده است و از این رو، گروه راهبردی با توجه به امکانات موجود تصمیم گرفت که فهرست‌نویسی مقالات نشریه‌های ادواری از فهرست‌نویسی مقالات مجموعه‌ها جدا شود و فهرست هر کدام جداگانه انتشار یابد... اینک پس از چند سال همکاری این دو کتابدار برجسته، مجلد نخست از ۱۳۷۷-۱۳۹۰ ش دربرگیرنده مشخصات ۲۵۸۸ مقاله منتشر شد؛ اکنون مجلد دوم فهرست مقالات فارسی در مجموعه‌ها و یادنامه‌ها از ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ ش در برگیرنده مشخصات ۱۰۴۸۸ مقاله در عرصه ایران‌شناسی و پژوهش‌های ایرانی تقدیم علاقه‌مندان می‌شود.» جلد چهاردهم «فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی (مجمله‌ها و نشریه‌ها: ۱۳۹۹-۱۴۰۰)» در ۱۱۰۶ صفحه و به‌بهای یک میلیون و ۸۵۰ هزار تومان و جلد دوم «فهرست مقالات فارسی (مجموعه‌ها؛ یادنامه‌ها؛ ارجحانه‌ها؛ جشن‌نامه‌ها؛ کنگره‌ها؛ ...» (۱۳۹۱-۱۳۹۷) در ۱۰۲۴ صفحه و به‌بهای یک میلیون و ۷۵۰ هزار تومان، هردو با شمارگان ۲۰۰ نسخه انتشار یافته‌اند.



تبارشناسی رنج

قاسم هاشمی نژاد در کتاب ایوب با رویکردی تطبیقی به صورت‌بندی‌های مسأله‌نشر می‌پردازد

آراکو محمودی

نویسنده و مترجم



در ساحت اندیشه بشری، کمتر داستانی به اندازه «ایوب» توانسته است ظرفیت رنج را به پریشانی بنیادین بدل کند. اما وقتی این پریشانی نه در کلام و عواظ، که در فرم تجربه‌شده زبان یک نویسنده و سواست ایرانی و تصویری‌های یک شاعر انگلیسی‌زبان می‌شود، ما با چیزی فراتر از یک متن مقدس روی‌رو می‌شویم؛ ما با یک دیالکتیک وجودی مواجهیم که مرزهای زمان و جغرافیا را درمی‌نوردد.

قاسم هاشمی نژاد در پژوهش درخشان خود «کتاب ایوب»، دست به جراحی زبانی روایتی زده که قرن‌ها زیر غبار تفسیر کدر مدفون بود. هاشمی نژاد در مقام نویسنده‌ای که همواره در پی کلمه نهایی و ایجاز سهمگین بوده است، در این اثر با رویکردی تطبیقی، به تبارشناسی رنج پرداخته است. او با صورت‌بندی پنج متن کهن فارسی (از کشف‌الاسرار تا سورآبادی)، شبکه‌ای از دلالت‌های معنایی را پیرامون حیات ایوب تپیده است که نه یک گزارش تاریخی، بلکه یک معماری زبانی است.

بشریت در جست‌وجوی معنا

آنچه در نثر هاشمی نژاد تکان‌دهنده است، صلابت صیقل‌خورده کلام اوست. او از آفت رایج بازخوانی متون - یعنی جمود زبانی - می‌گریزد و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های آرکائیک و استعارای زبان فارسی، فرمی خلق می‌کند که گویی همتای سنگی خود رنج ایوب است. هاشمی نژاد ایوب را از بند سوژه منفعل در آزمون الهی رها می‌کند و او را به میدان نبرد میان ایمان بی‌چون و چرا و دادخواهی عقلانی می‌کشاند. در دستان او، ایوب نه یک پیر شکیبیا، که نماد بشریت در جست‌وجوی

گزارش: فوتبال ایران

معنا در جهان مدرن است که در برابر سکوت مطلق قدرت، فریاد پرش سر می‌دهد. این نثر بی‌حاشیه، چنان به حقیقت عریان درد نزدیک می‌شود که خواننده را نه فقط به تماشای ایوب بر خاکستر، که به مواجهه با ویرانه‌های درون خویش فرا می‌خواند. اگر هاشمی نژاد رنج را با جراحی زبان می‌کاود، ویلیام بلیک، آن شاعر رؤیاپرداز و نقاش عصیان‌گر، همین رنج را با زیبایی‌شناسی بصری مستحکم می‌کند. نسخه مرجع انتشارات دانشگاه کمبریج از تصاویر کتاب ایوب، گواهی است بر این‌که چگونه تصویر می‌تواند تفسیر متن باشد. بلیک در تصویرگری‌های خود، ایوب را در کشاکشی ابدی میان عقل محدودکننده و شهود رهایی‌بخش می‌بیند. در هنر بلیک،



کتاب ایوب

قاسم هاشمی نژاد
انتشارات هرمس
صفحه ۳۳۸
تومان ۳۶۰۰۰۰

دوستان ایوب نه فقط ناصحان، که تجسم الهیات سنتی‌اند که بلیک با بیانی سوررئال، آن‌ها را به چالش می‌کشد. این دو اثر، گویی دو روی یک سکه‌اند؛ یکی با قلم واژگان و دیگری با قلم موی نقش‌پرداز، می‌کوشند تا «سکوت الهی» را بشکنند. هاشمی نژاد با ایجازی عالمانه، حواشی زائد را از متن می‌زداید و بلیک با افزودن لایه‌های بصری، ابعاد پنهان درونی ایوب را عیان می‌سازد. برای مخاطب عام کتاب، که در جست‌وجوی پیوند میان هنر، الهیات و فلسفه وجودی است، این دو مجلد پیشنهادی ناگزیرند. مطالعه کتاب ایوب با خوانش هاشمی نژاد، درس‌گفتاری است در باب دقت روش‌شناختی و غنای ادبی. «او به ما می‌آموزد که چگونه متن، زبانی زاینده است؛ زبانی که در عین تکیه بر سنت، با منطق نقادی مدرن پیوند می‌خورد.» این کتاب، نه یک شرح حاشیه‌ای، که اثری مرجع برای تمامی کسانی است که می‌خواهند بدانند چگونه «رنج» می‌تواند به «زبان» بدل شود و چگونه در نهایت، در برابر رجحان قدرت مطلق، سکوت ایوب به پریشانی بی‌پایان برای انسان مدرن بدل می‌گردد. این دو اثر، در کنار هم، معبری برای عبور از توفان‌های بشری‌اند؛ امکانی برای بازخوانی متن که در عین حال، مجالی است برای تأمل وجودی؛ نه برای اطاعت، که برای تماشای رقص شک و یقین در میانه آتش رنج.

هاشمی نژاد در این پیش‌گفتار و حاشیه‌ها نه «مقدمه‌نویس تشریفاتی» است و نه «مترجم بی‌صدا». شیوه کار او جنس جستار دارد: متن را فقط گزارش نمی‌کند، آن را بهانه طرح مسأله می‌گیرد و از دل یک متن دینی / کلاسیک، مسأله‌های ادبی-فلسفی بیرون می‌کشد. به همین دلیل هم به جای خلاصه‌گویی، «پرونده» می‌سازد؛ پرونده‌ای که در آن تاریخ روایت، دست‌کاری‌ها و دگرگونی‌های سنت تفسیری، الهیات شری، و در نهایت خود زبان فارسی به هم گره می‌خورند. او از راه مقایسه سنت‌ها (اسلامی / یهودی / مسیحی / ایرانی) پیش

۲۶ مسافر به مقصد تیخوانا

لیست نهایی تیم ملی برای حضور در جام جهانی مشخص شد

بدون سردار آزمون

امیر قلعه‌نویی درحالی فهرست ۲۶ نفره این تیم برای جام جهانی را اعلام کرد که در آن همچنان بازیکنان باتجربه‌ای چون مهدی طارمی و علیرضا جهانبخش حضور دارند اما نام سردار آزمون در آن دیده نمی‌شود. آزمون که در ۹۱ بازی ملی ۵۷ گل به ثمر رسانده است، ابتدا از فهرست اولیه کنار گذاشته شد و در نهایت نیز جایی در فهرست نهایی پیدا نکرد؛ این درحالی است که حتی برخی از مسئولان سیاسی نیز خواستار بازگشت او به تیم ملی شده بودند. آزمون که برای باشگاه شباب الاهلی در امارات متحده عربی بازی می‌کند، در اردوی فروردین نیز به تیم ملی دعوت نشده بود. در این رابطه طی روزهای گذشته اخباری درباره بازگشت مجدد سردار آزمون به تیم ملی شنیده می‌شد اما با اعلام لیست نهایی تیم ملی، مشخص شد که سومین گلزن برتر تیم ملی ایران در جام جهانی بازی نخواهد کرد. درحالی

امیر قلعه‌نویی در آخرین ساعات مهلت فیفا برای ارسال لیست نهایی بازیکنان حاضر در جام جهانی، اسامی مدنظرش را اعلام کرد. در لیست اعلام شده سرمربی تیم ملی برای جام جهانی، هرچند نام برخی از ستاره‌های سابق مانند سردار آزمون دیده نمی‌شود اما با توجه به لیست ۳۰ نفره‌ای که در آخرین اردو به آنتالیا رفته بودند، می‌توان گفت که قلعه‌نویی با کمترین ریسک، تیمش را برای جام جهانی ۲۰۲۶ بسته است.

سفر به مکزیک

تیم ملی ایران طی روزهای ۱۵ یا ۱۶ خردادماه برای حضور در جام جهانی به کشور مکزیک خواهد رفت. تیم به همراه ۳۱ بازیکن دو هفته اردوی تدارکاتی را در آنتالیای ترکیه برگزار کرد. اردویی که در آن یک دیدار تدارکاتی نیز برابر گامبیا انجام شد و احتمال دارد براساس اخبار، یک دیدار تدارکاتی نیز پیش از سفر به مکزیک برابر تیم ملی مالی برگزار شود.

با این وجود امیر قلعه‌نویی در ساعات پایانی مهلت ارسال لیست نهایی به فیفا نام ۵ نفر را خط زد و تیمش را با ۲۶ بازیکن مدنظرش برای برگزاری بازی‌های جام جهانی بست. قلعه‌نویی چند روز قبل و بعد از مصدومیت روزبه چشمی در اردوی ترکیه، این بازیکن را از لیست کنار نگذاشت و نام او در لیست پایانی تیم هم دیده می‌شود.

سرمربی تیم ملی برای این جام جهانی مانند کارلوس کی‌روش در دوره‌های قبلی جام جهانی و جام ملت‌های آسیا، نام سه دروازه‌بان را در لیست تیم ملی قرار داد. او هشت مدافع، پنج هافبک، شش وینگر و چهار مهاجم را نیز با خود به مکزیک می‌برد تا برای سه مسابقه مرحله گروهی برابر نیوزلند، بلژیک و مصر آماده شوند.

شاید مهم‌ترین نام‌هایی که شانس حضور در لیست نهایی بازیکنان ایران در جام جهانی را از دست داده‌اند، امید نورافکن و کسری طاهری باشند. نورافکن که یکی از بازیکنان ثابت لیست‌های تیم ملی طی سال‌های اخیر بوده، براساس اخبار در لیست انتظار حضور دارد و به احتمال زیاد همراه تیم به مکزیک می‌رود تا در صورت بروز اتفاقی غیرمترقبه مانند آسیب‌دیدگی، بتواند به تیم اضافه شود. اما کسری طاهری، مهاجم جوان فوتبال ایران که انتظار می‌رفت یکی از جوان‌های تیم در تورنمنت پیش‌رو باشد نیز در لیست نهایی قرار نگرفت.

در این بین محمد خلیفه، امیرحسین محمودی و هادی حبیبی نژاد نیز نام‌شان در میان خط‌خورده‌های لیست تیم ملی دیده می‌شود.



سینمای جهان

وستروس بدون توهم قدرت

نگاهی به سریال «شوالیه هفت پادشاهی»
براساس داستانی از آر. آر. مارتین

در سال‌هایی که جهان «بازی تاج‌وتخت» پیش از هر چیز با اژدهایانش، جنگ‌های خونین و نبرد بر سر تاج‌وتخت شناخته شده است،

فرزانه متین

روزنامه‌نگار

سریال «شوالیه هفت پادشاهی» مسیری متفاوت را انتخاب می‌کند. این مجموعه که از شبکه اچ‌بی‌او و سرویس مکس پخش شده، جدیدترین اقتباس از آثار جورج آر. آر. مارتین است و براساس داستان‌های محبوب «دانک و آگ» ساخته شده است. برخلاف دو مجموعه پیشین این جهان، یعنی «بازی تاج‌وتخت» و «خاندان اژدها»، این‌بار خبری از لشکرکشی‌های عظیم، نبرد اژدهایان و توطئه‌های پیچیده سیاسی نیست؛ بلکه داستان بر دو شخصیت ساده و دوست‌داشتنی متمرکز شده که در میان جاده‌ها، میدان‌های مسابقه و شهرهای وستروس به ماجراجویی می‌پردازند. داستان حدود یک قرن پیش از وقایع بازی تاج‌وتخت رخ می‌دهد؛ زمانی که خاندان تارگرین هنوز بر وستروس حکومت می‌کند اما شکوه دوران اژدهایان رو به افول است. قهرمان اصلی سریال، دانکن بلندقند یا «دانک»، شوالیه‌ای فقیر اما شریف و اخلاق‌مدار است که پس از مرگ استادش راهی سفری پرماجرا می‌شود. در کنار او پسربرج‌های به‌نام «آگ» قرار دارد که در ظاهر مباشر اوست اما در واقع شاهزاده‌ای از خاندان تارگرین محسوب می‌شود. همین رابطه ساده اما عمیق، قلب تپنده سریال را شکل می‌دهد.

بزرگ‌ترین نقطه قوت «شوالیه هفت پادشاهی» بدون تردید شخصیت‌های آن هستند. در دورانی که بسیاری از سریال‌های فانتزی بیش از حد به جلوه‌های ویژه و صحنه‌های اکشن وابسته شده‌اند، این مجموعه یادآوری می‌کند که داستان‌گویی موفق همچنان از شخصیت‌های جذاب آغاز می‌شود. رابطه میان دانک و آگ سرشار از طنز، احساس و رشد شخصیتی است. این دو نهم‌ها مکمل یکدیگرند بلکه بخشی از بهترین سنت‌های ادبیات ماجراجویانه کلاسیک را زنده می‌کنند. مخاطب با سرعت با آنها همراه می‌شود و موفقیت سریال تا حد زیادی مدیون همین شیمی طبیعی میان دو بازیگر اصلی است.

نکته مهم دیگر، وفاداری چشمگیر سریال به منبع اقتباس است. بسیاری از طرفداران کتاب‌های مارتین هنوز از سال‌های پایانی بازی تاج‌وتخت و فاصله گرفتن آن از داستان‌های اصلی ناراضی هستند. در مقابل، «شوالیه هفت پادشاهی» تقریباً با دقتی مثال‌زدنی داستان شوالیه سرگردان را به تصویر کشیده است. این وفاداری نهم‌ها موجب رضایت خوانندگان کتاب‌ها شده بلکه به انسجام روایی اثر نیز کمک کرده است.

از منظر جهان‌سازی نیز سریال موفق عمل می‌کند. این بار شهر وستروس را نه از پنجره قصرها و شوراها سلطنتی بلکه از نگاه مردم عادی می‌بینیم. مسافرخانه‌ها، بازارها، زمین‌های مسابقات شوالیه‌گری و جاده‌های خاکی، تصویر متفاوتی از این جهان آشنا ارائه می‌دهند. همین تغییر زاویه دید باعث شده وستروس واقعی‌تر و ملموس‌تر از همیشه به نظر برسد. بیننده احساس می‌کند برای نخستین‌بار زندگی روزمره مردمی را می‌بیند که در سایه پادشاهان و خاندان‌های بزرگ زندگی می‌کنند. فضای کلی سریال نیز تفاوت محسوس با آثار پیشین دارد. اگر بازی تاج‌وتخت به‌خاطر بدبینی سیاسی و فضای تلخ خود مشهور بود و خاندان اژدها تصویری از فروپاشی یک خاندان قدرتمند ارائه می‌کرد، «شوالیه هفت پادشاهی» لحن گرم‌تر و انسانی‌تری دارد. طنز در جای‌جای داستان حضور دارد و امید، دوستی و شرافت نقشی پررنگ‌تر از گذشته ایفا می‌کنند. این تغییر لحن ممکن است برای برخی طرفداران قدیمی غافلگیرکننده باشد اما به هويت مستقل سریال کمک زیادی کرده است.

با این حال اثر خالی از ضعف نیست. مهم‌ترین انتقاد وارد شده به سریال مقیاس کوچک آن است. بسیاری از مخاطبان با انتظار دیدن اژدهایان، نبردهای بزرگ و رقابت‌های سیاسی گسترده به سراغ این مجموعه می‌روند و ممکن است با واقعیت داستان دچار ناامیدی شوند. «شوالیه هفت پادشاهی» عمداً از چنین عناصر پرزرق‌وبرقی فاصله گرفته و روایتی جمع‌وجور و شخصیت‌محور ارائه می‌دهد. این تصمیم هنری برای برخی یک امتیاز و برای برخی دیگر یک نقطه ضعف محسوب می‌شود. ریتم داستان نیز گاه بیش از حد آرام است. فصل نخست تنها ۶ قسمت دارد و برخی منتقدان معتقدند زمان محدود، باعث شده تعدادی از شخصیت‌های فرعی فرصت کافی برای پرداخت پیدا نکنند. هرچند تمرکز بر دانک و آگ یکی از نقاط قوت سریال است اما در برخی لحظات احساس می‌شود، جهان اطراف آنها می‌توانست گسترده‌تر و عمیق‌تر به‌تصویر کشیده شود.

در بازی تاج‌وتخت و به‌ویژه خاندان اژدها، دوربین اغلب در خدمت نمایش عظمت بود؛ قلعه‌های غول‌آسا، میدان‌های نبرد گسترده و پرواز اژدهایان. اما در «شوالیه هفت پادشاهی» فیلم‌برداری آگاهانه به شخصیت‌ها نزدیک‌تر شده است. قاب‌ها معمولاً کوچک‌تر و صمیمی‌تر هستند و دوربین زمان بیشتری را صرف ثبت واکنش‌های دانک و آگ می‌کند. در نتیجه مخاطب بیشتر با احساسات شخصیت‌ها درگیر می‌شود تا شکوه مناظر. بخش مهمی از فیلم‌برداری در مناطق مختلف ایرلند انجام شد؛ رویکردی که یادآور فصل‌های نخست بازی تاج‌وتخت است. استفاده از دشت‌ها، جاده‌های روستایی و قلعه‌های واقعی باعث شده فضای سریال طبیعی‌تر و کمتر وابسته به پرده سبزه و جلوه‌های کامپیوتری باشد. این انتخاب به داستان نیز کمک کرده زیرا ماجرای دانک و آگ اساساً یک سفر زمینی است و نیاز به محیط‌های ملموس دارد.



سازوکار توجه دارد: از تکنیک «دانای کل شدن خواننده» حرف می‌زند؛ این‌که پرده اول کتاب ایوب (گفت‌وگوی خدا و شیطان) خواننده را در موضعی قرار می‌دهد که ایوب بی‌خبر است و همین، تعلیق اخلاقی و حساسیت نسبت به عدالت الهی را تشدید می‌کند. حاشیه‌نویسی او واقعاً «حاشیه» نیست؛ بخش اصلی کار است. حاشیه برای او محل توضیح تصمیم‌های زبانی و سبک‌شناختی است و نقش کارگامی دارد: هم متن را روشن می‌کند، هم راه و رسم درست دیدن زبان را یاد می‌دهد. توضیح‌هایی از جنس این‌که چرا فلان معادل را برگزیده، چگونه یک تصویر یا تداعی ایرانی-فارسی را به کمک ترجمه می‌آورد، یا چرا این واژه از نظر موسیقی و بار فرهنگی بهتر می‌نشیند، نشان می‌دهد مترجم در حال پی‌ریزی نثر است، نه صرفاً انتقال دادن معنا. محور مهم قلم او، فارسی محسوس و تصویری است. او به جای تکیه بر اسم‌های انتزاعی، به فعل و تصویر متمایل است و زبان را از راه بدن، حرکت و صحنه زنده می‌کند. ترجیح دادن ترکیب‌ها و فعل‌های جاافتاده فارسی به جای واژه‌های کلی و اداری، از همین جهان‌بینی می‌آید: زبان باید دیده و چشیده و لمس شود، نه فقط فهمیده. این حساسیت زبانی، به دفاعی شعاری از «سرنویسی» تبدیل نمی‌شود؛ او پالودگی می‌خواهد، اما با افراط مخالف است. هم با عربی‌زدگی بی‌تناسب مسأله دارد، هم با فقر واژگانی و باستان‌گرایی نمایشی؛ معیارش عیار زبان و تناسب سطح بیان با معنا و بافت است.

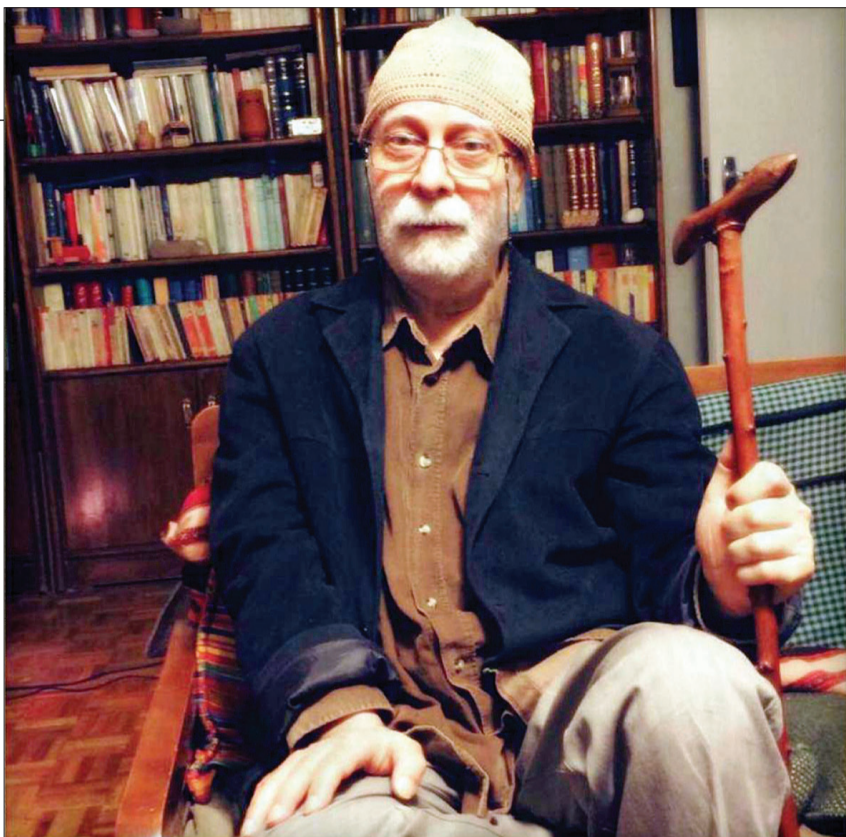
در نمونه ترجمه/بازآفرینی ایوب نیز همین رویکرد دیده می‌شود. متن را صرفاً به فارسی «بر نمی‌گرداند»، بلکه در فارسی «جا می‌اندازد»: لحن را کتاب‌مقدس می‌کند، موسیقی جمله را نگه می‌دارد، و با واژه‌گزینی سنجیده فضای خنونت رنج را جسمانی و ملموس می‌سازد. اگر جایی لازم بدانند، یا یادداشت و توضیح نشان می‌دهد که انتخاب او فقط لغوی نیست، فرهنگی و ادبی است. نتیجه این است که ترجمه در دست او تبدیل به بازآفرینی ادبی می‌شود و مترجم، نقش نثرساز پیدا می‌کند. مجموع این ویژگی‌هاست که باعث می‌شود از هاشمی‌نژاد بتوان به عنوان «مکتب» یاد کرد: نویسنده‌ای بی‌ادعا اما پخته، با دانشی گسترده و کارکردی، با نثری که هم فکر می‌کند و هم تصویر می‌سازد، و با وفاداری عمیق به استخوان‌بندی زبان فارسی. در وضعیت پر آشوب زبان و ادبیات، رجوع به او رجوع به یک الگوی عملی است؛ اینکه چگونه می‌شود هم دقیق بود، هم ادبی؛ هم مستند بود، هم زنده؛ و هم فارسی را پاس داشت، بدون این‌که به شعار و تصنع افتاد.

در دفاع کناری، رامین رضائیان باردیگر به تیم ملی بازگشته، رقیبش در استقلال صالح حمدانی هم در پست دفاع راست هست. سمت چپ هم با میلاد محمدی و احسان حاج‌صفی که سابقه حضور در دو جام جهانی را دارند، بسته شده است. در خط میانی سامان قدوس و سعید عزت‌اللهی از تیم دوران کارلوس کی‌روش و جام جهانی قبلی حضور دارند، روزبه چشمی که در اردو مصدوم شده بود، به همراه دو بازیکن جوان یعنی محمد قربانی و امیرمحمد رزاقی‌نیا مسافر جام جهانی شده‌اند. در بخش تهاجمی علاوه بر مهاجمان نوک، پنج وینگر در لیست قلعه‌نویسی حضور دارند. علیرضا جهانبخش، محمد محبی و مهدی قائدی سه بازیکن مطرح و سرشناس این پست هستند که البته مهدی ترابی نیز بعد از مدتی دوری به تیم ملی به این جمع پیوسته است. قلعه‌نویسی با توجه به حضور رامین رضائیان و صالح حمدانی، نام آریا یوسفی مدافع راست جوان سپاهان را در میان وینگرها قرار داده است.

سفر به مکزیک

امیر قلعه‌نویسی با وجود اعلام لیست ۲۶ نفره نهایی تیم ملی به فیفا، قصد دارد تمامی ۳۱ بازیکن را با خود به اردوی مکزیک ببرد. اما آنچه در حال حاضر حائز اهمیت به‌نظر می‌رسد نه سفر به مکزیک که سفر به آمریکا برای برگزاری سه بازی مرحله گروهی است. تیم ایران روز ۲۶ خرداد باید اولین مسابقه‌اش در جام جهانی ۲۰۲۶ را در شهر لس‌آنجلس برابر نیولند برگزار کند. ۳۱ خرداد در همین شهر با بلژیک دیدار می‌کند و ۶ تیرماه در شهر سیاتل به مصاف تیم ملی مصر می‌رود. با این وجود و درحالی که هنوز تکلیف مسئله ورود تیم به آمریکا برای برگزاری مسابقات روشن نشده، ماجرای اصلی حضور تیم در شهر تیخوانا مکزیک است. شهری که در نزدیکی مرز مکزیک و آمریکا قرار دارد و کمپ تیم‌های در آنجا برگزار می‌شود. طی روزهای گذشته اخبار ضد و نقیضی درباره اقامت تیم‌های در این کمپ منتشر شده که بخشی از آنها مربوط به ناام بودن شهر تیخوانا برای ملی‌پوشان است. واقعیت این است که یکی از دغدغه‌های رسانه‌ای از زمان اعلام میزبانی مکزیک در جام جهانی امنیت برگزاری مسابقات همچنین گردشگران در این کشور بوده است، هرچند اخبار حاکی است که این کشور شرایط امنیتی خاصی را برای مسابقات در نظر گرفته است. هرچند مسابقات جام جهانی در سه شهر مکزیکوسیتی، گوادالاخارا و مونتری برگزار می‌شود و تیم‌های در شهر تیخوانا اقامت دارد. البته که تیخوانا مثل برخی دیگر از شهرهای مکزیک همواره محلی برای ارتکاب جرم و جنایت هم بوده به‌طوری که سال گذشته و طی تنها ۶ ماه ۵۱۸ مورد قتل عمد در این منطقه گزارش شده است. در واقع این شهر به دلیل مجاورت با مرز آمریکا همیشه محل درگیری‌های بزرگ کارتل‌های مواد مخدر بوده ازجمله دو کارتل اصلی خالیسکو و سینالوا که درگیری‌هایشان خونبار بوده است.

اما آیا تیم ملی در این منطقه مکزیک امنیت لازم را خواهد داشت. باشگاه تیخوانا که میزبان تیم ملی ایران در اردوی مکزیک خواهد بود، مردم این شهر را «مهمان‌نواز، گرم و شینفته ورزش» معرفی کرده است. با توجه به اینکه فیفا این اردو را به تیم‌های ایران برای کم کردن حواشی مربوط به اقامت در آمریکا پیشنهاد داده است باید دید فدراسیون جهانی فیفا چه راهکاری برای برقرار امنیت تیم ملی خواهد داشت.



نمونه‌ای از تصاویر ویلیام بلیک در کتاب ایوب انتشارات دانشگاه کمبریج

تاریخ فکر صورت‌بندی‌های گوناگون یافته است. به این ترتیب اطلاعات، مصالح معماری متن‌اند نه تزئینات. نشر او خصلت خطابی و دیالکتیکی دارد. با پرسش می‌نویسد، نه با گزارش بی‌طرف؛ پرسش‌های بی‌دری و ضربه‌ها جمله‌ها خواننده را وارد صحنه‌ها داری می‌کند و متن را از برهان خشک به افق هنری نزدیک می‌سازد. همین ریتم مناظره‌وار باعث می‌شود خواننده احساس کند شریک بحث است، نه تماشاگر توضیح. در تحلیل روایت هم به همین

می‌رود و روایت خطی آرام را کنار می‌گذارد تا مسأله را از چند جنبه روشن کند. دانشی که در متن او دیده می‌شود نمایش و فضل‌فروشی نیست؛ سازوکار است. ارجاع‌ها برای ژست فرهنگی نمی‌آیند، بلکه هر کدام نقش شاهد یا ابزار استدلال دارند: قرآن را می‌آورد تا زمینه روایت اسلامی روشن شود، منابعی مانند طبری و ابن‌ندیم را پیش می‌کشد تا امکان دسترسی و مسیر انتقال روایت‌ها معلوم شود، و از ادبیات و اندیشه جهان کمک می‌گیرد تا نشان دهد مسأله شر و رنج چگونه در

که، مهدی طارمی ستاره اصلی و مهره کلیدی تیم در خط حمله است اما قلعه‌نویسی به‌جای سردار آزمون، نام دنیس درگاهی یا دنیس اکرت را در لیست مهاجمان قرار داده است. باید دید در جام جهانی چقدر به این مهاجم ناشناخته بازی خواهد رسید اما هرچه هست با توجه به جانشینی او به‌جای سردار، می‌توان حدس زد که فشار زیادی روی این بازیکن برای نشان دادن توانایی‌هایش باشد. بازیکنی که ناگهان نامش برای تیم ملی ایران مطرح شد و خیلی زود به پیراهن این تیم رسید. در خط حمله علاوه بر طارمی و درگاهی چهره‌های آشنایی دیده می‌شوند: علی علیپور، امیرحسین حسین‌زاده و شهریار مغانلو.

چهره‌های آشنا

سرمربی تیم ملی ایران با کمترین میزان ریسک لیست تیم مدنظرش برای حضور در جام جهانی را بست. درون دروازه حضور علیرضا بیرانوند، سیدحسین حسینی و پیام نیازمند نشان می‌دهد که او کماکان روی مهره‌های باتجربه حساب می‌کند. هرچند به احتمال زیاد علی بیرو، دروازه‌بان اصلی تیم باشد اما اتفاقاتی مانند بازی اول جام جهانی ۲۰۲۲ برابر انگلیس که منجر به شکست بینی بیرانوند شد، در هر مسابقه‌ای می‌تواند رخ بدهد.

در خط دفاعی، شجاع خلیل‌زاده که بعد از رفتن کارلوس کی‌روش بار دیگر به تیم ملی بازگشت، در دوران قلعه‌نویسی تبدیل به مهره ثابت شد. او در کنار محمدحسین کنعانی‌زادگان دو مدافع اصلی وسط تیم هستند. در این پست علی نعمتی و دانیال ابری هم حضور دارند. ابری شاید گمنام‌ترین چهره خط دفاعی تیم ملی در جام جهانی باشد.



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

روز تعادل

صف‌های خرید چگونه شکسته شد؟

نسرین خدادادی
<div>گروه اقتصاد</div>

معاملات بورس تهران دیروز درحالی به پایان رسید که بازار سهام پس از چند روز رشد پرشتاب و ثبت صف‌های خرید گسترده، نشانه‌هایی از ورود به مرحله تعادل را به نمایش گذاشت. افزایش محسوس عرضه‌ها در بسیاری از نمادها باعث شد که بخشی از صف‌های خرید شکسته شود و معامله‌گران امکان بیشتری برای خرید و فروش سهام داشته باشند. با این حال، روند کلی بازار همچنان صعودی باقی ماند و شاخص‌های اصلی بورس در محدوده مثبت به کار خود پایان دادند. تداوم ورود نقدینگی حقیقی به بازار نیز نشان داد که با وجود افزایش عرضه‌ها، اعتماد سرمایه‌گذاران به روند صعودی بازار همچنان حفظ شده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معاملات دیروز، فاصله گرفتن بازار از شرایط قفل‌شدگی روزهای اخیر بود. طی هفته گذشته، بخش قابل‌توجهی از نمادهای بازار با صف‌های خرید سنگین مواجه بودند و عملاً فروشنده‌ای در بسیاری از سهم‌ها وجود نداشت. این وضعیت اگرچه موجب رشد سریع قیمت‌ها شده بود اما امکان معامله را برای بخشی از سرمایه‌گذاران محدود کرده بود. دیروز اما عرضه‌کنندگان با قدرت بیشتری وارد بازار شدند و همین موضوع موجب افزایش حجم معاملات و گردش نقدینگی شد. بازتاب این تغییر رفتار را می‌توان در ارزش معاملات خرد مشاهده کرد. در پایان دادوستدهای دیروز، ارزش معاملات خرد سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی به بیش از ۲۷ هزار و ۵۱۰ میلیارد تومان رسید؛ رقمی قابل‌توجه که از افزایش تحرک معامله‌گران و بازگشت بخشی از نقدشوندگی به بازار حکایت دارد. ثبت چنین ارزشی در معاملات روزانه نشان می‌دهد که بورس تهران در حال ورود به مرحله‌ای است که در آن علاوه بر رشد قیمت‌ها، حجم مبادلات نیز افزایش یافته و امکان کشف قیمت در شرایط متعادل‌تری فراهم شده است. با وجود افزایش عرضه‌ها، شاخص‌های بورسی همچنان به مسیر صعودی خود ادامه دادند. شاخص کل بورس با رشد ۶۳هزار و ۶۵۷ واحدی معادل ۱.۵ درصد به سطح ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار و ۱۷۸ واحد رسید و بار دیگر رکورد جدیدی را ثبت کرد. شاخص کل هم‌وزن نیز که نمای بهتری از عملکرد کلی شرکت‌ها ارائه می‌دهد با رشد ۱۸ هزار و ۵۶۷ واحدی معادل ۱.۶۴ درصد در سطح یک میلیون و ۱۵۰ هزار و ۵۳۶ واحد قرار گرفت. هرچند سرعت رشد شاخص‌ها نسبت به روزهای گذشته کاهش یافته است اما مثبت ماندن هر دو شاخص نشان می‌دهد که جریان نقدینگی همچنان از بازار حمایت می‌کند و عرضه‌های دیروز نتوانسته‌اند، روند کلی بورس را تغییر دهند. در میان نمادهای بزرگ بازار، بانک ملت یکی از کانون‌های اصلی توجه سرمایه‌گذاران بود. این نماد با ثبت بیش از ۳ هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان ارزش معامله، سهم قابل‌توجهی از گردش مالی بازار را به خود اختصاص داد. نکته قابل‌توجه آن بود که با وجود حجم بالای عرضه و معاملات سنگین، سهام بانک ملت توانست در سقف مجاز روزانه به کار خود پایان دهد. این موضوع نشان‌دهنده قدرت بالای تقاضا در نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز بازار است؛ جایی که همچنان خریداران با جدیت از روند صعودی قیمت‌ها حمایت می‌کنند. در مقابل، گروه خودرویی دیروز نسبت به روزهای گذشته شرایط متفاوتی را تجربه کرد. بسیاری از نمادهای این صنعت، بخشی از صف‌های خرید خود را از دست دادند و برخی نیز وارد محدوده منفی شدند. به‌نظر می‌رسد، بخشی از سرمایه‌گذاران پس از رشدهای قابل توجه اخیر اقدام به شناسایی سود کرده‌اند. این رفتار را می‌توان یکی از نشانه‌های طبیعی ورود بازار به مرحله تعادل دانست؛ مرحله‌ای که در آن صنایع مختلف با سرعت‌های متفاوتی حرکت می‌کنند و نقدینگی میان گروه‌های مختلف جابه‌جا می‌شود. در سوی دیگر بازار، صنایع غذایی، دارویی، زراعت و سیمانی همچنان مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار داشتند. بسیاری از نمادهای این گروه‌ها با صف‌های خرید سنگین و عرضه محدود همراه بودند. استقبال از این صنایع نشان می‌دهد، بخشی از فعالان بازار همچنان به‌دنبال شرکت‌هایی هستند که از شرایط تورمی اقتصاد منتفع می‌شوند یا از ثبات بیشتری در عملکرد عملیاتی و سودآوری برخوردارند. تداوم ورود نقدینگی به این گروه‌ها می‌تواند، نشانه‌ای از تغییر تدریجی تمرکز سرمایه‌گذاران از برخی صنایع پربیسک‌تر به سمت شرکت‌های بنیادی‌تر باشد. یکی دیگر از نکات مهم معاملات دیروز، تداوم ورود پول حقیقی به بازار سهام بود. در پایان معاملات بیش از ۳ هزار و ۳۵۴ میلیارد تومان سرمایه حقیقی وارد سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی شد. این درحالی است که صندوق‌های درآمد ثابت با خروج ۲ هزار و ۳۱۲ میلیارد تومان نقدینگی مواجه شدند. این جابه‌جایی منابع نشان می‌دهد که بخشی از سرمایه‌گذاران همچنان ترجیح می‌دهند، سرمایه خود را از ابزارهای کم‌ریسک خارج کرده و به بازار سهام منتقل کنند.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

۱۷سالگی یک معجزه

اقتصاد آلمان چگونه از خاکستر جنگ برخاست؟

فریده اسکندری
<div>گروه اقتصاد</div>

۷۷ سال پیش در چنین روزهایی، تصمیم‌گیران آلمان غربی یکی از معجزه‌های اقتصادی را رقم زدند. در اواخر ژوئن ۱۹۴۸ دولت آلمان غربی با اجرای یک برنامه اصلاح پولی گسترده، واحد پول جدید «دویچه مارک» را جایگزین پول بی‌اعتبار و تورم‌زده دوران جنگ کرد. این اقدام در شرایطی انجام شد که اقتصاد این کشور گرفتار کمبود کالا، بازار سیاه، کاهش تولید و بی‌اعتمادی عمومی به نظام پولی بود. اصلاحات پولی سال ۱۹۴۸ توانست حجم نقدینگی مازاد را کاهش دهد، اعتماد مردم به پول ملی را بازگرداند و انگیزه تولید و سرمایه‌گذاری را احیا کند. هم‌زمان با این اقدام، بسیاری از کنترل‌های قیمتی و محدودیت‌های اقتصادی نیز برداشته شد و فضای رقابتی تری برای فعالیت بخش خصوصی به‌وجود آمد. نتیجه آن بود که طی مدت کوتاهی کالاها به بازار بازگشتند، تولید صنعتی افزایش یافت و بازار سیاه که بخش مهمی از اقتصاد را در اختیار داشت رو به افول گذاشت. این اصلاحات در کنار بهر‌مندی آلمان از برنامه مارشال آمریکا، پایه‌های رشد اقتصادی دهه‌های بعد را بنا نهاد. به همین دلیل بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که در روزهای پایانی ژوئن ۱۹۴۸ سیاست‌های پولی و اقتصادی جدید نه‌تنها ارزش پول آلمان را نجات داد بلکه مسیر تبدیل این کشور از ویرانه‌های جنگ جهانی دوم به یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان را هموار کرد. امروز ۷۷ سال پس از آن تحول تاریخی، اصلاحات پولی آلمان همچنان به‌عنوان یکی از موفق‌ترین نمونه‌های احیای اقتصادی در جهان شناخته می‌شود.

آلمان چگونه معجزه کرد؟

پس از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ کمتر کسی تصور می‌کرد که آلمان بتواند در مدت کوتاهی از کشوری ویران و شکست‌خورده به یکی از قدرتمندترین اقتصادهای جهان تبدیل شود. بخش بزرگی از شهرهای این کشور بر اثر بمباران‌های گسترده نابود شده بود، کارخانه‌ها آسیب دیده بودند، شبکه حمل‌ونقل از کار افتاده و میلیون‌ها نفر با کمبود غذا، مسکن و فرصت‌های شغلی مواجه بودند. ارزش پول ملی به‌شدت کاهش یافت و بازار سیاه به بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی تبدیل شده بود. بسیاری از کارشناسان آن زمان معتقد بودند که بازسازی کامل اقتصاد آلمان دهه‌ها زمان خواهد برد. با این حال تنها طی یک دهه، این کشور شاهد رشد اقتصادی چشمگیر، افزایش تولید صنعتی، کاهش بیکاری و ارتقای سطح زندگی شهروندان شد. پدیده‌ای که بعدها به «معجزه اقتصادی آلمان» شهرت یافت. درک این تحول شگفت‌انگیز مستلزم بررسی مجموعه‌ای از عوامل

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

اشباح ارزی

راه برخورد مناسب با تراستی‌ها چیست؟

سعید مشهوری
<div>گروه اقتصاد</div>

بازداشت برخی افراد مرتبط با پرونده‌های تراستی‌ها، بار دیگر یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران در حوزه تجارت خارجی و مدیریت منابع ارزی را به کانون توجه افکار عمومی و فعالان اقتصادی بازگردانده است. موضوع بازگشت ارز حاصل از صادرات طی سال‌های اخیر به یکی از محورهای اصلی سیاستگذاری اقتصادی کشور تبدیل شده و دولت‌ها همواره تلاش کرده‌اند با طراحی سازوکارهای مختلف، ارز صادراتی را به چرخه رسمی اقتصاد بازگردانند. اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که بخش قابل‌توجهی از نیازهای ارزی کشور برای واردات کالاهای اساسی، مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز صنایع از محل ارز حاصل از صادرات تأمین می‌شود. در چنین شرایطی هرگونه اختلال در روند بازگشت ارز یا استفاده از مسیرهای غیررسمی برای

داخلی و خارجی است که به‌صورت هم‌زمان در شکل‌گیری آن نقش داشتند. در میان این عوامل، دو رویداد تاریخی بیش از همه مورد توجه اقتصاددانان و مورخان قرار گرفته‌اند؛ نخست برنامه مارشال که از سوی ایالات متحده آمریکا برای بازسازی اروپا طراحی شد و دوم اصلاحات پولی و اقتصادی آلمان غربی در سال ۱۹۴۸ که بنیان‌های یک اقتصاد کارآمد و رقابتی را در این کشور ایجاد کرد. در سال‌های نخست پس از جنگ، اقتصاد آلمان در شرایطی بحرانی قرار داشت. تولید صنعتی به کسری از سطح پیش از جنگ رسیده بود و کمبود کالاهای اساسی باعث شده بود، مردم برای تأمین نیازهای روزمره خود به مبادله کالا با کالا روی آورند. پول رایج آن زمان، یعنی رایش‌مارک، بخش زیادی از اعتبار خود را از دست داده بود و مردم تمایل چندانی به نگهداری آن نداشتند. تولیدکنندگان نیز به دلیل نبود ثبات اقتصادی و قیمت‌گذاری‌های دستوری، انگیزه کافی برای افزایش تولید نداشتند. در چنین فضای، بازار سیاه رونق یافته بود و بخش بزرگی از مبادلات اقتصادی خارج از کانال‌های رسمی انجام می‌شد. در همین شرایط، دولت ایالات متحده به این نتیجه رسید که بازسازی اقتصادی اروپا نه تنها از منظر انسانی بلکه از نظر سیاسی و امنیتی نیز اهمیت حیاتی دارد. واشنگتن نگران بود که فقر، بیکاری و ناامیدی در کشورهای اروپایی، زمینه را برای گسترش نفوذ اتحاد جماهیر شوروی و ایدئولوژی کمونیسم فراهم کند. به همین دلیل جورج مارشال، وزیر امور خارجه آمریکا، در سال ۱۹۴۷ طرحی را پیشنهاد کرد که بعدها به برنامه مارشال معروف شد. این برنامه شامل ارائه کمک‌های مالی، تجهیزات، مواد اولیه و حمایت‌های فنی به کشورهای اروپایی بود تا روند بازسازی اقتصادی آنها تسریع شود. آلمان غربی نیز از مزایای این برنامه بهره‌مند شد. اگرچه سهم این کشور از کل کمک‌های برنامه مارشال نسبت به برخی کشورهای دیگر چندان بزرگ نبود اما اهمیت این کمک‌ها فراتر از ارزش مالی مستقیم آنها بود. منابع مالی و تجهیزات واردشده امکان بازسازی زیرساخت‌ها، احیای کارخانه‌ها و تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنایع را فراهم کرد. علاوه بر این، برنامه مارشال پیام مهمی برای سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی داشت؛ اینکه اقتصاد اروپا به ویژه آلمان از حمایت سیاسی و اقتصادی قدرت‌های غربی برخوردار است و چشم‌انداز روشنی برای آینده وجود دارد. این اعتماد نقش مهمی در بازگشت سرمایه‌گذاری و رونق فعالیت‌های تولیدی ایفا کرد. با وجود اهمیت برنامه مارشال، بسیاری از پژوهشگران معتقدند که عامل اصلی موفقیت آلمان را باید در اصلاحات داخلی این کشور جست‌وجو کرد. نقطه عطف این اصلاحات در ژوئن سال ۱۹۴۸ رقم خورد که دولت آلمان غربی با حمایت متفقین دست به اصلاحات پولی گسترده زد. در این اصلاحات، واحد پول جدیدی به نام دویچه مارک جایگزین رایش‌مارک شد. هدف اصلی این اقدام، کنترل تورم، بازگرداندن اعتماد عمومی به پول ملی و ایجاد ثبات در نظام

اقتصادی بود. هر شهروند مقدار محدودی از پول جدید دریافت کرد و حجم عظیمی از نقدینگی مازاد که طی سال‌های جنگ و پس از آن ایجاد شده بود از چرخه اقتصاد خارج شد. نتایج این اصلاحات بسیار سریع و چشمگیر بود. با بازگشت اعتماد مردم به پول ملی، انگیزه برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری افزایش یافت. فروشگاه‌ها که پیش از آن با کمبود کالا مواجه بودند به تدریج مملو از محصولات مختلف شدند. تولیدکنندگان نیز که اکنون می‌توانستند، کالاهای خود را در بازار رسمی عرضه کنند، فعالیت خود را گسترش دادند. بازار سیاه که تا آن زمان بخش مهمی از اقتصاد را در اختیار داشت به سرعت کوچک شد و نقش خود را از دست داد. یکی از شخصیت‌های کلیدی این دوران، لودویگ ارهارد بود که بعدها به‌عنوان معمار معجزه اقتصادی آلمان شناخته شد. او اعتقاد داشت که اقتصاد باید بر پایه رقابت آزاد، مسئولیت‌پذیری فردی و نقش محدود دولت در فعالیت‌های بازار اداره شود. ارهارد هم‌زمان با اصلاحات پولی، بسیاری از کنترل‌های قیمتی و محدودیت‌های اقتصادی را لغو کرد. این تصمیم اگرچه ابتدا با مخالفت برخی سیاستمداران و مقامات اشغال‌گر مواجه شد اما به سرعت نتایج مثبت خود را نشان داد. آزادسازی قیمت‌ها باعث شد، تولیدکنندگان انگیزه بیشتری برای افزایش تولید داشته باشند و منابع اقتصادی به سمت فعالیت‌های سودآورتر هدایت شوند. مدل اقتصادی شکل گرفته در آلمان غربی به «اقتصاد بازار اجتماعی» معروف شد. این مدل تلاش می‌کرد میان مزایای اقتصاد آزاد و مسئولیت‌های اجتماعی دولت، تعادل برقرار کند. بر اساس این رویکرد، رقابت و کارآفرینی موتور اصلی رشد اقتصادی محسوب می‌شد اما دولت نیز وظیفه داشت از طریق نظام تأمین اجتماعی، بیمه‌های درمانی، حمایت از کارگران و ایجاد فرصت‌های برابر از افششار آسیب‌پذیر حمایت کند. این ترکیب توانست هم رشد اقتصادی سریع را امکان‌پذیر سازد و هم از بروز نابرابری‌های شدید اجتماعی جلوگیری کند. عامل مهم دیگری که به موفقیت آلمان کمک کرد، سرمایه انسانی این کشور بود. با وجود خسارات گسترده جنگ، بخش قابل‌توجهی از نیروی کار ماهر، مهندسان، متخصصان و مدیران صنعتی آلمان همچنان در کشور حضور داشتند. سنت قوی آموزش فنی و حرفه‌ای نیز امکان تربیت نیروی کار مورد نیاز صنایع را فراهم می‌کرد. بنابراین هنگامی که ثبات اقتصادی برقرار شد و سرمایه‌گذاری افزایش یافت، آلمان توانست به سرعت ظرفیت‌های تولیدی خود را احیا کند. همچنین شرایط بین‌المللی نیز به نفع اقتصاد آلمان عمل کرد. آغاز جنگ کره در اوایل دهه ۱۹۵۰ موجب افزایش تقاضا برای محصولات صنعتی در بازارهای جهانی شد و صنایع آلمان از این فرصت بهره فراوان بردند. کالاهای تولیدشده در این کشور به دلیل کیفیت بالا و قیمت رقابتی توانستند، جایگاه مناسبی در بازارهای صادراتی پیدا کنند. افزایش صادرات نه‌تنها ارزش مورد نیاز کشور را تأمین کرد بلکه موجب توسعه بیشتر صنایع و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید شد. نتیجه این مجموعه سیاست‌ها و شرایط مساعد، رشد اقتصادی کسابقه‌ای بود که طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در آلمان غربی به‌وقوع پیوست. تولید صنعتی با سرعتی چشمگیر افزایش یافت، نرخ بیکاری کاهش پیدا کرد و درآمد سرانه شهروندان به‌طور مداوم رشد کرد. میلیون‌ها نفر صاحب خانه، خودرو و کالاهای مصرفی مدرن شدند و استاندارد زندگی به سطحی رسید که پیش از آن برای بسیاری از مردم قابل تصور نبود. آلمان غربی به‌تدریج به یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان و موتور صنعتی اروپا تبدیل شد.

اساس مقررات موجود، صادرکنندگان موظف هستند ارز حاصل از صادرات خود را در مهلت‌های تعیین‌شده به چرخه اقتصادی کشور بازگردانند. هدف از این سیاست، تأمین نیازهای ارزی کشور و جلوگیری از کمبود منابع در بازار ارز است. با این حال برخی صادرکنندگان معتقدند شرایط تحریمی، محدودیت‌های نقل‌وانتقال پول و تفاوت نرخ‌های ارزی، فرآیند بازگشت ارز را با دشواری‌هایی همراه کرده است. بازداشت متهمان پرونده‌های اخیر نشان می‌دهد که دستگاه قضایی برخورد با تخلفات احتمالی در این حوزه را با جدیت دنبال می‌کند. با این حال کارشناسان اقتصادی معتقدند، حل ریشه‌ای این چالش تنها از مسیر برخورد‌های قضایی امکان‌پذیر نیست. به باور آنان، در کنار مقابله با تخلفات باید بسترهای قانونی، بانکی و تجاری نیز به گونه‌ای اصلاح شوند که بازگشت ارز به کشور با سهولت بیشتر و هزینه کمتری انجام شود. همچنین افزایش شفافیت در مبادلات مالی و توسعه ابزارهای رسمی انتقال ارز می‌تواند از گسترش فعالیت شبکه‌های غیررسمی جلوگیری کند. در نهایت، پرونده‌های مربوط به تراستی‌ها و رفع تعهدات ارزی را می‌توان بازتابی از بی‌چیدگی‌های اقتصاد ایران در شرایط تحریم و محدودیت‌های بین‌المللی دانست. این پرونده‌ها از یک‌سو ضرورت نظارت و مقابله با تخلفات را یادآوری می‌کنند و از سوی دیگر نشان می‌دهند که برای حل پایدار مشکلات ارزی کشور علاوه بر اقدامات قضایی، اصلاحات سلسل‌اختاری در حوزه تجارت خارجی، نظام ارزی و شبکه‌های انتقال پول نیز ضروری است.



لبنیات لاکچری

کالایی که آرام آرام از سفره‌ها حذف می‌شود

گروه اجتماعی: افزایش دوباره قیمت لبنیات، بار دیگر زنگ خطر کاهش مصرف یکی از مهم‌ترین اقلام غذایی خانوار را به صدا درآورده است. مطابق با گزارش‌ها، قیمت شیر خام حدود ۴۰ تا ۴۲ درصد افزایش یافته، افزایشی که سرانه جهانی ۲۵۰ کیلوگرمی مصرف لبنیات را، در ایران به ۵۰ کیلوگرم رسانده است. در شرایطی که طی سال‌های اخیر بسیاری از خانواده‌ها ناچار شده‌اند به دلیل فشارهای اقتصادی، بخشی از مواد غذایی ضروری را از سبد مصرفی خود حذف کنند حالا کارشناسان حوزه سلامت نسبت به پیامدهای بلندمدت کاهش مصرف لبنیات هشدار می‌دهند؛ پیامدهایی که از سوء تغذیه و کم‌خونی تا پوکی استخوان و اختلال در رشد کودکان را در بر می‌گیرد. افزایش قیمت مواد غذایی در سال‌های اخیر، الگوی تغذیه‌ای بخش قابل توجهی از جامعه را تغییر داده است. بسیاری از خانوارها که پیش‌تر نیز با محدودیت‌های اقتصادی روبه‌رو بودند اکنون ناچارند برای مدیریت هزینه‌ها، مصرف برخی کالاهای

اساسی از جمله گوشت، لبنیات و حتی میوه را کاهش دهند. نتیجه این وضعیت، حرکت تدریجی به سمت مصرف غذاهای ارزان‌تر و در عین حال کم‌ارزش‌تر از نظر تغذیه‌ای است؛ موضوعی که متخصصان آن را یکی از تهدیدهای جدی سلامت عمومی در سال‌های آینده می‌دانند. در همین رابطه، احمد اسماعیل‌زاده، مدیر دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت، در گفت‌وگو با خبرنگار آلاین اعلام کرده است که میزان مصرف لبنیات در کشور حتی پیش از افزایش‌های اخیر نیز کمتر از میزان توصیه‌شده بوده است. به گفته او، استانداردهای تغذیه‌ای مصرف روزانه دو تا سه واحد لبنیات را برای گروه‌های مختلف سنی توصیه می‌کنند اما مصرف واقعی در کشور به شکل محسوسی پایین‌تر از این میزان است. متخصصان تغذیه معتقدند، کاهش مصرف لبنیات تنها به کمبود کلسیم محدود نمی‌شود. لبنیات یکی از منابع مهم تأمین پروتئین، ویتامین‌ها و مواد معدنی مورد نیاز بدن محسوب می‌شود



و کاهش مصرف آن می‌تواند، آثار گسترده‌ای بر سلامت افراد داشته باشد. کودکان، نوجوانان، زنان باردار و سالمندان بیش از سایر گروه‌ها در معرض آسیب ناشی از این کمبود قرار دارند. ایرج خسرونی، رئیس جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران نیز در گفت‌وگو با خبرنگار آلاین هشدار داده است که حذف تدریجی مواد غذایی مغذی از سفره مردم می‌تواند، زمینه‌ساز بروز انواع بیماری‌ها شود. به گفته او، اگر بخش عمده رژیم غذایی خانوارها به مواد ارزان‌قیمت و کم‌ارزش غذایی محدود شود، در سال‌های آینده شاهد افزایش مشکلاتی مانند کم‌خونی، ضعف جسمانی، بیماری‌های استخوانی و حتی برخی اختلالات روحی و روانی خواهیم بود.

شهری

موافق مشروط طرح زاگانی هستیم

ناصر امانی از طرح رایگان شدن مترو سخن می‌گوید



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

در حالی که شهرداری تهران این روزها با بحران‌های مالی عمیقی دست‌وپنجه نرم می‌کند و حتی مطابق با اظهارات اعضای شورای شهر در پرداخت حقوق کارکنان خود با چالش مواجه است، تکاپوی تازه‌ای در صحن شورای شهر، علامت سوال‌های بزرگی را پیش روی کارشناسان شهری قرار داده است. علیرضا زاگانی، شهردار تهران، اخیراً با پذیرش مسئولیت سنگین پرداخت خسارت و بازسازی واحدهای آسیب‌دیده در جنگ‌های ۱۲ روزه و رمضان، تعهدی هزاران میلیارد تومانی را روی دوش پایتخت گذاشته است. اما در میان این شگفتی مالی، طرحی جنجالی با لیدری پرویز سروری در شورا متولد شده است: «رایگان شدن حمل‌ونقل عمومی برای ۸۰ درصد شهروندان». طرحی که هرچند در ظاهر جذاب و رفاهی به نظر می‌رسد اما بررسی لایه‌های زیرین آن، شائبه‌های تبلیغاتی را به مشام می‌رساند که شماری جز ایجاد تعهدی کمرشکن برای دوره بعدی مدیریت شهری نخواهد داشت.

پوشش ضعف عملکرد با کارت عوام‌فریبی

فرسودگی مفروض سیستم حمل‌ونقل عمومی تهران، از اتوبوس‌های از رده خارج تا کمبود شدید واگن‌های مترو، واقعیت روزمره‌ای است که پایتخت‌نشینان با آن زندگی می‌کنند. علیرضا زاگانی که با وعده‌های دهان‌باز در خصوص توسعه و نوسازی ناوگان عمومی روی کار آمد اکنون در ماه‌های پایانی مسئولیت خود کارنامه قابل دفاعی در این حوزه ندارد. همین فرسودگی ساختاری و عدم تحقق وعده‌ها، تیم حامی شهردار در شورای شهر را به شدت نگران پاسخگویی به افکار عمومی کرده است. در چنین بستری، طرح غیرکارشناسی رایگان‌سازی مترو و اتوبوس‌های تندرو (BRT) با تکیه بر یک فرمول پوپولیستی و جذاب برای عامه مردم، ناکارآمدی خود در توسعه زیرساخت‌ها را پنهان کند. با این حال، در لایه اجرایی، تناقض‌ها از همین حالا عیان است؛ به طوری که به گفته عبدالمظفر محمدخانی، سخنگوی شهرداری تهران، اتوبوس‌های بخش خصوصی به دلیل عدم تأمین بودجه عملاً در این طرح دیده نشده‌اند و تبعیض در سیستم از همین نقطه آغاز شده است.

سه‌شنبه سرنوشته‌ساز در صحن علنی

بسرخلاف فضا‌سازی‌های اولیه، این طرح دوفوریتی در جلسات غیرعلنی شورا با سد استقلال رأی برخی اعضا مواجه شد. تعدادی از اعضای منتقد عملکرد زاگانی در شورای شهر تهران با درک تبعات هولناک مالی و فنی این تصمیم از رأی دادن به فوریت آن خودداری کردند و با تغییر آن به یک فوریت، مانع از تصویب شتاب‌زده آن شدند. اما واکنش تیم رسانه‌ای زاگانی به این مخالفت کارشناسی، پرده از اهداف سیاسی طرح برداشت. این جریان رسانه‌ای پیش از مطرح شدن رسمی طرح، پروژه تخریب مخالفان را کلید زد و پس از رأی‌گیری نیز با انتشار اسامی آنها، تلاش کرد آنها را «مخالفان رفاه مردم» جلوه دهد. حالا براساس اظهارات

آیا عدالت در اجرای طرح رعایت می‌شود؟

موضوع مهم دیگر، رعایت عدالت در اجرای طرح است. آیا ملاک افراد خواهند بود یا فضا و جغرافیای شهری؟ برای مثال، آیا نمی‌توان ایستگاه‌هایی که مبدأ آنها مناطق جنوبی تهران است را مشمول تخفیف یا استفاده رایگان کرد؟ یا گروه‌های اجتماعی و اقتصادی مشخصی را تعریف کرد که از پرداخت این مبلغ معاف شوند؟ در حالی که اکنون دامنه طرح بسیار گسترده تعریف شده و جزئیات آن روشن نیست. لذا بنده مخالف مطلق این طرح نیستم اما موافق مشروط هستم؛ به این معنا که ابتدا باید ابعاد مختلف آن روشن شود تا بتوان درباره آن تصمیم‌گیری کرد. البته این طرح به کمیسیون حمل‌ونقل و کمیسیون بودجه ارجاع شده است و باید دید آیا این دو کمیسیون می‌توانند به پرسش‌هایی که بنده مطرح کردم، پاسخ بدهند یا خیر. در آن صورت می‌توان نظر قطعی‌تری درباره این طرح ارائه کرد. اما همچنان ابهامات درباره این طرح وجود دارد و مهم‌ترین آنها همان ابهام نخست است؛ یعنی اینکه در روزهای پایانی این دوره، این طرح مطرح شده و همین موضوع موجب شکل‌گیری آن شائبه شده است.



براساس کدام مطالعه؟

این عضو شورای شهر تهران با اشاره به ریشه مطالعاتی، تحقیقاتی و پژوهشی این طرح می‌گوید: این طرح به این گستردگی و اهمیت بر اساس چه مطالعاتی شکل گرفته است؟ انتظار می‌رود چند برگ مطالعه، گزارش کارشناسی و یافته پژوهشی در اختیار اعضا قرار گیرد تا مشخص شود این نتیجه‌گیری از کجا به دست آمده که اگر حمل‌ونقل عمومی در تهران رایگان شود، برای مثال ۳۰ درصد از استفاده‌کنندگان خودرو شخصی دیگر وارد خیابان‌ها نخواهند شد و طبیعتاً به همان میزان کاهش آلودگی هوا و صرفه‌جویی در مصرف سوخت حاصل خواهد شد. مهم‌تر از آن، این سوال مطرح است که آیا ما ظرفیت لازم را برای پاسخگویی به افزایش تقاضا و هجوم احتمالی مردم پس از رایگان شدن حمل‌ونقل عمومی داریم یا خیر؟ او می‌گوید: همین امروز نیز ایستگاه‌های ما مملو از جمعیت است؛ فاصله زمانی حرکت قطارها بالاست و وضعیت اتوبوس‌ها نیز با محدودیت مواجه است. سوال این است که آیا در این چند سال گذشته، توسعه حمل‌ونقل عمومی در تهران به اندازه‌ای بوده که بتواند چنین تغییری را پوشش دهد؟ امانی با بیان اینکه آخرین آماری که مدیرعامل شرکت اتوبوسرانی در جلسه غیرعلنی شورا ارائه کرد این بود که حدود ۲۲۰۰ دستگاه اتوبوس فعال در حال تردد در شهر تهران وجود دارد، اضافه می‌کند: همچنین اعلام شد که مجموع ناوگان اتوبوسرانی حدود ۳۲۰۰ دستگاه است که بخشی از آنها به دلایل مختلف در طول روز یا ماه از چرخه بهره‌برداری خارج می‌شوند و مجدداً بازمی‌گردند؛ اما به صورت میانگین حدود ۲۲۰۰ دستگاه در مدار فعالیت قرار دارند. به گفته او: حال سوال این است که آیا واقعاً با ۲۲۰۰ دستگاه اتوبوس، می‌توان از روز بعد از اجرای رایگان شدن حمل‌ونقل عمومی، پاسخگویی افزایش تقاضای مردم بود؟ ضمن اینکه همین موضوع درباره مترو نیز صادق است. نه توانسته‌ایم تعداد قطارها را افزایش دهیم و نه بخش قابل‌توجهی از قطارهایی که در حال اورهال هستند و از مدار خارج شده‌اند را به چرخه بازگردانده‌ایم. اینها سوالاتی است که نیازمند ارائه آمار، ارقام و داده‌های دقیق است و پس از روشن شدن این موارد می‌توان درباره چنین طرحی تصمیم‌گیری کرد.

آثاری که بر نسل آینده دارد

کارشناسان همچنین نسبت به آثار این روند بر نسل‌های آینده هشدار می‌دهند. کاهش دریافت مواد مغذی در دوران کودکی و نوجوانی می‌تواند رشد جسمی را تحت تأثیر قرار دهد و خطر کوتاه‌قدی، ضعف استخوانی و کاهش توان جسمی را افزایش دهد. از سوی دیگر در سنین بالاتر نیز احتمال بروز پوکی استخوان، شکستگی‌های ناشی از ضعف استخوان و سایر بیماری‌های مرتبط با سوء تغذیه بیشتر خواهد شد. در چنین شرایطی، بحث حمایت هدفمند از مصرف لبنیات بار دیگر مطرح شده است. بر اساس اظهارات مسئولان وزارت بهداشت در گفت‌وگو با خبرنگار آلاین، پیشنهادهایی درباره افزایش حمایت‌های دولتی برای خرید لبنیات، از جمله اختصاص اعتبار یا کالا برگ و ویژه این محصولات، مطرح شده است. هرچند این پیشنهادها هنوز به مرحله تصویب نرسیده‌اند اما حامیان این ایده معتقدند که حفظ دسترسی اقشار کم‌درآمد به مواد غذایی ضروری، هزینه‌ای به مراتب کمتر از درمان پیامدهای ناشی از سوء تغذیه در آینده خواهد داشت. آنچه امروز در بازار لبنیات رخ می‌دهد صرفاً یک مسئله اقتصادی نیست؛ بلکه موضوعی است که می‌تواند مستقیماً بر سلامت عمومی جامعه اثر گذارد. به همین دلیل بسیاری از کارشناسان تأکید می‌کنند که کاهش مصرف لبنیات نباید تنها به عنوان یک تغییر در الگوی خرید خانوارها دیده شود بلکه باید آن را به عنوان هشدار جدی درباره آینده سلامت کشور در نظر گرفت.

حوادث

پایان خونین یک رابطه

دانشجوی دختر با شلیک همکلاسی خود کشته شد و ضارب نیز خودکشی کرد

یک حادثه تلخ، صبح روز گذشته در دانشکده دندانپزشکی قزوین رخ داد و به جان باختن دو دانشجوی سال آخر این دانشکده انجامید. براساس اعلام دادستان عمومی و انقلاب قزوین، یک دانشجوی پسر با شلیک گلوله، همکلاسی دختر خود را به قتل رساند سپس با همان سلاح، اقدام به خودکشی کرد.

علی‌اصغر عسگری، دادستان عمومی و انقلاب قزوین با اعلام این خبر گفت: در ساعات اولیه صبح دانشجوی پسر با در اختیار داشتن یک قبضه سلاح کلت جنگی وارد بخش درمانگاه دانشکده دندانپزشکی شد و به سمت یک دانشجوی دختر هم‌دوره‌ای خود شلیک کرد.

بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد این دو دانشجو که در آستانه فارغ‌التحصیلی قرار داشتند، پیش‌تر در یک رابطه عاطفی بوده‌اند و در ماه‌های اخیر در مرحله جدایی قرار داشته‌اند. به گفته دادستان قزوین، اختلافات خانوادگی و شخصی میان طرفین از مدتی قبل وجود داشته و تحقیقات اولیه حاکی از آن است که این اختلافات زمینه‌ساز وقوع حادثه بوده است.

براساس گزارش‌های رسمی، ضارب چهار گلوله به ناحیه سینه دانشجوی دختر شلیک کرد. شدت جراحات وارده به حدی بود که وی در همان محل جان خود را از دست داد. پس از این اقدام، ضارب نیز با شلیک یک گلوله به سر خود، اقدام به خودکشی کرد. دادستان قزوین با اشاره به حضور سریع نیروهای انتظامی و امنیتی در محل حادثه اظهار کرد که صحنه جرم بلافاصله تحت کنترل قرار گرفته و تحقیقات قضایی و پلیسی آغاز شده است. اجساد هر دو نفر برای انجام معاینات تخصصی و تعیین جزئیات بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شده‌اند.

مقام‌های قضایی اعلام کرده‌اند که بازپرس ویژه پرونده و کارآگاهان پلیس در حال بررسی ابعاد مختلف این حادثه از جمله نحوه تهیه و حمل سلاح جنگی هستند. به گفته دادستان تاکنون شواهدی مبنی بر دخالت عوامل دیگر در این جنایت به‌دست نیامده و بررسی‌ها ادامه دارد.



